فراتر بودن مفهوم واحدیت خداوند متعال در روایات، از معنای کلاسی

علی أی‌ّحال، چیزی که می‌خواهم در بزنگاه حرف جا بیاندازم، این است: مبانی که در کتاب سیری در نهج‌البلاغه می‌گویند که آخوند گفته است، تازه مورد مناقشات مبانی هست؛ یعنی «لا من عدد»ی که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند، بالاتر از این است. یعنی آخوند در تبیین این‌ها، سعی و تلاش کرده است اما واقع مطلب به آن نحوی که در آخر کار خودش را نشان بدهد، از این‌ها بالاتر است. به عبارت دیگر این جور نیست که حتی بگوییم فرض دوم ندارد. بعد بگویی فرض محال که محال نیست. نمی‌خواهیم به این صورت بگوییم. اگر شما بگویی فرض دوم ندارد، بعد بگویی فرض محال که محال نیست، باز معلوم می‌شود هنوز بحث نشده است. فرض دوم ندارد، نه یعنی فرض محال است تا بعد بگویی فرض محال، محال نیست. خود فرض دوم ندارد، یعنی فرض دومش یک چیز پوچ است. نه این‌که فرض محال است. یعنی این فرض نمی‌تواند محقق شود. سرجایش شما می‌گویی فرض محال، محال نیست. یعنی فرض محال ممکن است. اما در مورد «لا من عدد»، اصلاً خود فرض نمی‌شود. الفرض المحال. چرا؟ باید به دنبالش برویم.

«لامن عدد» چطور می‌شود؟ قبلاً در معانی الاخبار شاید مباحثه داشتیم. البته آن وقت ضبط نبود. این‌ها خیلی جالب است. روی آن تأمل کنید. به این عنوان عرض می‌کنم که دنباله‌ی آن را بگیری‌د. آن طوری که در آن کتاب‌ها گفته می‌شود، می‌گویند فقط یک واحد غیر عددی داریم. آن هم خدای متعال است. وقتی از واجب الوجود به بستر خلق آمدید، همه‌ی واحدها، واحد عددی است؛ برای آن‌که فرد ممکن است. تنها برای خدا است که فرد ممکن نیست. لذا می‌گویی‌د در واجب الوجود، برهان توحید می‌آید. این از جاهایی است که رهزن می‌شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 16:05:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 16:08:25 توسط ... .